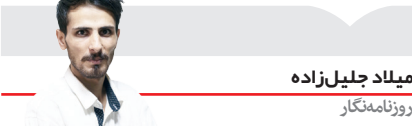


فروش آنلاین سریال هیولا در شبکه خانگی برای هر قسمت فقط ۵۰ هزار نفر است

هیولا، موش زاید!



میلاد جلیل‌زاده

روزنامه‌نگار

پس از چند سال مطرح بودن این بحث که چرا دخل و خرج سینمای ایران و شبکه نمایش خانگی اش با هم جور در نمی‌آیند، همچنان بی‌پاسخ ماندن پرسش‌ها در حال پیچیده‌تر کردن قضیه است. تعداد فیلم‌هایی که سالانه در سینمای ایران ساخته می‌شوند گفت به لحاظ اقتصادی سسوده بوده‌اند، به عدد انگشتان یک دست هم نمی‌رسد. این در حالی است که اکثر فیلم‌های ماچنانکه عنوان می‌شود متعلق به بخش خصوصی هستند. در شبکه نمایش خانگی وضع از این هم بغرنج‌تر است و شاید حتی یک‌مورد از سوده‌ی مالی تولیدات را نشود با قطعیت اسم برد. در شرایطی که چه کالاهای واسطه‌ای و چه حتی کالاهای اساسی در بازار ایران سوار بر آسانسور قیمت‌ها هستند و هر روز بالا می‌کشند و روز بعد باز هم بالاتر می‌روند، چه کسی سرمایه‌اش را روی فیلم یا سریالی می‌گذارد که قرار است یکی دو سال بعد در بهترین حالت ممکن اصل پول او را با چند درصد مختصر سود به او برگرداند؟ جواب این پرسش‌ها را امروز همه می‌دانند، هر چند اثبات‌مورد به مورد آن بسیار مشکل باشد. قطعا بحث پولشویی و مفاسد اقتصادی در میان است و این در حالی است که پروژه‌های سینمایی ایران و شبکه نمایش خانگی، سعی فراوانی دارند تا بسیار پر مخاطب‌تر و سوده‌تر از آن چیزی که هستند به نظر برسند. این از طرف سرمایه‌گذاران به دلیل آن عنوان می‌شود که به لحاظ اقتصادی نقاط شک بر انگیز قضیه را از تیررس حساسیت خارج کنند و از طرف عوامل فیلم هم طبیعتاً به این دلیل پی گرفته می‌شود که محبوبیت هر پروژه، به معنای موفقیت و محبوبیت خود آنهاست. در سینما لااقل چیزی به اسم آمار فروش هست و سامانه‌ای برای این منظور تا بشود تعداد مخاطبان هر فیلم در هر سال را به تفکیک روزها شمرد اما شبکه نمایش خانگی همین را هم ندارد. البته حسین انتظامی، رئیس سازمان سینمایی، در اولین نشستی که پس از صدور رسمی حکمش در این سمت با اهالی رسانه ترتیب داد، از تاسیس چنین سامانه‌ای در آینده نزدیک حرف زد. این آمارها حتی در صورتی که در دسترس عموم مردم و اهالی رسانه قرار بگیرند، نمی‌توانند باعث پیشگیری از وقوع جرایم اقتصادی در سینما یا بازخواست و پیگیری مجرمان، پس از وقوع چنین جرایمی شوند. اما لااقل در ایجاد آگاهی اجتماعی موثر هستند.

کدام کفه سنگین‌تر است، مخارج یا درآمد

دستمزد‌های نجومی هنرپیشه‌هایی که در سریال‌های شبکه نمایش خانگی بازی کرده‌اند، به هیچ‌وجه با منطق اقتصادی عرضه و تقاضا جور در نمی‌آید. به عبارتی حتی اگر تمام عوامل دیگر سریال هیچ دستمزدی دریافت نکنند و ساخت پروژه هیچ مخارج دیگری دربر نداشته باشد هم با توجه به این دستمزد‌های نجومی، می‌شود نتیجه قطعی گرفت که پروژه‌ها سوده‌ی مالی ندارند؛ چون ظرفیت بازار فروش سریال در ایران به قدری نیست که چنین رقم‌هایی را در آن بتوان بازگرداند. اولین پروژه‌ای که در شبکه نمایش

چارسو

جایزه «نخل طلا» فیلم کرهای را پرفروش کرد



به نقل از ورائیتی، «پارازیت» یا «انگل» که شبیه گذشته برنده نخل طلااز جشنواره کن امسال شد،شروعی خیره‌کننده‌ای را در کشورش تجربه کرد و در عین حال تاریخ اکران آن در آمریکا هم تعیین شد. این فیلم دیروز در روز افتتاحیه‌اش در کره جنوبی سه میلیون و ۳۳۰ هزار دلار بلیت فروخت. این در حالی است که فیلم دوم باکس آفیس کره‌جنوبی «علاءالدین» ۵۲۷ هزار دلار فروخت و «گودزیلا پادشاه هیولاها» نیز که یک روز جلوتر یعنی از چهارشنبه اکرانش را شروع کرده بود تنها ۲۱۲ هزار دلار بلیت فروخت. اخبار مربوط به کارگردان برنده این فیلم در وقتی که وی روز دوشنبه به کشورش بازگشت بی‌وقفه در رسانه‌های این کشور پوشش داده شده است. بونگ جون هو با دریافت نخل طلای کن برای فیلم «پارازیت» برای نخست‌تین بار نخل طلا را نصیب کشورش کرد. این فیلم اکنون از ۲۶۰۰ سالن سینمای کره جنوبی در ۱۷۸۳ سالن سینمای رومای پرده است. در آمریکانیز نتون توزیع کننده فیلم اعلام کرد «پارازیت» را در فصل جوایز سینمایی اکران می‌کند. گفته شده این فیلم از ۱۱ اکتبر در لس آنجلس و نیویورک اکران می‌شود. «روزی روزگاری در هالیوود» ساخته کوئینتین تارانتینوا فیلم‌های کتجکوی برانگیز جشنواره امسال کن بود که پیش‌بینی می‌شد جوایزی را از آن خود کند اما برخلاف همه انتظارات در اختتامیه این رویداد سینمایی دست خالی ماند.

خانگی دستمزد بازیگران آن خبرساز شد، «شهرزاد» بود. «شهرزاد» قرار بود نمادی از موفقیت فعالیت سریال‌سازان ایرانی در خارج از فضای تلویزیون باشد و هرگاه از بی‌منطقی اقتصادی شبکه نمایش خانگی حرفی به میان می‌آمد، در پاسخ به سریال «شهرزاد» اشاره می‌شد که ادعای سازندگان موفقیت تجاری آن بود. اما پس از مدتی به صورت رسمی از سوی مراجع قضایی اعلام شد که سریال «شهرزاد» بخشی از یک پروژه پولشویی بوده است. وقتی «شهرزاد» درگیر پولشویی باشد، پروژه‌های پر زرق و برق و گران قیمت اما کم‌مخاطب‌تر دیگر هم می‌توانند باشند. در فصل دوم «شهرزاد»

اعلام شده بود که شهاب حسینی یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان و ترانه علیدوستی ۹۰۰ میلیون تومان دستمزد گرفتند. درخصوص دستمزد‌های عوامل فصل دوم «شهرزاد» توجه به نرخ تورم در روز عقد قرارداد و مقایسه آن با شرایط

امروز هم لازم است، چه اینکه به عنوان مثال ارز خارجی دلار در

آن روز بالاتر از سه هزار تومان و

امروز بین ۱۳ تا ۱۵ هزار تومان در نوسان است. نزدیک‌تر که بیاییم، موارد دیگری از این دست باز هم قابل مشاهده هستند. مهناز افشار برای بازی در «گلشifte» حدود یک میلیارد تومان دستمزد گرفت. این بازیگر ۴۱ ساله سینمای ایران در حالی چنین دستمزدی برای سریالش گرفت که با روزهای اوج محبوبیت کاری‌اش فاصله‌ای بسیار گرفته و چندین حضور اخیر او در پروژه‌های سینمایی نشان داده که توانایی خاصی برای جذب مخاطبان به یک اثر نمایشی را ندارد. تقریباً در همان ایام بود که صحبت از مقدار دستمزد

محمدرضا گلزار برای سریال «عاشقانه» همه را در شوک فرو برد. گفته می‌شد او ماهی یک میلیارد تومان دستمزد گرفته است. منوچهر هادی، کارگردان مجموعه، بعدها مصاحبه‌ای کرد و گفت که گلزار برای ۵ ماه این دستمزد را گرفته است نه یک ماه. البته متن قرارداد و به عبارتی سندی که با روشن کردن حقیقت ماجرا، شایعات را از اعتبار ساقط کند، توسط هیچ کدام از عوامل منتشر نشد. هومن کیبیری یکی از تهیه‌کنندگان سریال هم بعدتر مصاحبه‌ای کرد و گفت: «در فصل اول عاشقانه در حالی که بازیگران دو سه ماه بود که قرارداد داشتند، فیلمبرداری صورت نمی‌گرفت و همین امر باعث شده بود ما پول بپردازیم در حالی که خروجی نداشتیم».

اما پس از آن باز هم بحث دستمزد نجومی محمدرضا گلزار برای حضور در پروژه‌ای با کارگردانی منوچهر هادی مطرح شد. اعلام شد که سریالی به اسم «دل» قرار است بعد از تعطیلات عیدنوروز توزیع شود که مجدداً بحث از دستمزد ماهانه یک میلیارد تومان برای گلزار را به میان آورد و این بار کسی موضوع را تکذیب یا اصلاح نکرد. البته این سریال هم در موعد مقرر پخش نشد. ارقام مرتب داشتند بالاتر می‌رفتند و دستمزد هفت میلیاردی نویدمحمدرزاده برای «قورباغه» تا به حال بالاترین رقم مطرح شده است.

هیولای پرخرج بی‌مخاطب

این روزها سریال «هیولا» از شبکه نمایش خانگی در حال توزیع است. مهران مدیری کارگردان و پیمان قاسم‌خانی سرپرست نویسندگان این مجموعه هستند. نقش اصلی سریال را فرهاد



اصلا نی ایفای می‌کند و کاراکتری که مقابل او قرار دارد، توسط خود مهران مدیری بازی شده است. تاکنون رقم مشخصی از میزان هزینه‌های تولید این سریال و نام سرمایه‌گذاران آن اعلام نشده‌است.

اما از آنجا که فقط مهران مدیری برای یک هفته حضور در «رحمان» ۱۴۰۰ یک میلیارد تومان دستمزد گرفت، حدس اینکه دریافتی او برای «هیولا» بسیار بالا باشد، طبیعی خواهد بود. سرمایه‌گذار «هیولا» اول مارکت است که اسپانسر برنامه «دوره‌ی» با اجرای مهران مدیری هم بود. مدیرعامل اول مارکت ناصر قدیر کاشانی است که در حال حاضر ۳۳ سال سن دارد و در زمان تولید فصل اول «دوره‌ی» در آستانه ۳۰ سالگی قرار داشت. چنانکه اشاره شد تا به حال هیچ رقمی از هزینه‌های این سریال منتشر نشده اما به‌طور مرتب عنوان می‌شود که «هیولا» مخاطبان بسیاری داشته است. در آخرین آمادهی اعلام شد که این مجموعه بازدیدي در حدود ۴۰ میلیون و ۳۷۶ هزار دقیقه در فیلمو داشته است. با احتساب متوسط زمان ۴۵ دقیقه برای هر کدام از چهار قسمت اول این مجموعه که روی هم ۱۸۰ دقیقه می‌شوند و تقسیم نتیجه به دست آمده بر عدد چهار، می‌شود به‌طور تقریبی گفت هر قسمت از آن را به‌طور متوسط ۵۶ هزار نفر دیده‌اند که این افراد البته می‌تواند تکرار هم بشوند و مثلاً یک نفر برای تماشای چهار قسمت سریال، چهار بار اقدام کرده باشد و در آمارها به‌عنوان چهار کاربر ثبت شود به این ترتیب، عدد واقعی تماشاگران «هیولا» از ۵۶ هزار نفر هم پایین‌تر است. سریال «هیولا» به‌واقع چقدر می‌تواند در درگاه‌های فیلم و نماود درآمد داشته باشد که هزینه‌های ساخت آن قابل توجیه باشد؟ این سوالی است که برای پاسخ به آن آمار مشخصی منتشر نشده اما به نظر نمی‌رسد اگر پاسخ روشن و قانع‌کننده‌ای داشت، سرمایه‌گذاران و سازندگان مجموعه دلیلی برای عدم بیان آن داشته باشند.

سینما و قدس

صحبت‌های بازیگر نقش «خاله صفیه» در فیلم سینمایی «بازمانده»

«بازمانده» در کشورهای عربی همچنان به نمایش درمی‌آید

سینمای ایران اگرچه می‌کوشد در جهت احقاق حق ملت فلسطین اثرگذار باشد، اما واقعیت این است برای گفتن از فلسطین باید از قدرت تصویرسازی در خور توجهی برخوردار شود. به‌عبارت دیگر، موضوع فلسطین وجود داشته و دارد، مهم این است از کدام دریچه به آن بنگریم و چگونه برای آن، جان به تصویر دهیم. شاید از همین رو باید یگانه اثر سینمای ایران که توانسته با زبان سینما حق مطلب را ادا کند، فیلم «بازمانده» به کارگردانی روانشاد «سیف‌الله داد» است.

«سلمی المصری»، بازیگر نقش «خاله» صفیه» در فیلم سینمایی «بازمانده» است که سال گذشته برای شرکت در جشنواره فیلم مقاومت، به تهران سفر کرده بود. خبرگزاری «ایسنا» به بهانه روز قدس، بخشی از صحبت‌های این بازیگر را درباره حضورش در فیلم سینمایی «بازمانده» به‌عنوان یکی از بهترین آثار ساخته‌شده در باره جنایات رژیم صهیونیستی به کارگردانی زنده‌یاد سیف‌الله داد، منتشر کرده است. آنچه می‌خوانید بخش‌هایی از این گفت‌وگو است.

*ساخت این اثر در سوریه و شهر دمشق صورت گرفت. برای تصویربرداری برخی از صحنه‌های این فیلم، خیابان «الاذقیه» دمشق را بستند. برای تصویربرداری سسکانس‌های قطار، کل ایستگاه قطار بسته شد تا بتوانیم فیلمبرداری‌ها را انجام دهیم. به‌صورت کلی سیف‌الله داد، بسیار سختگیر بود و کارش را خیلی جدی انجام می‌داد.

■ سازمان سینمایی سوریه، همه چیزهایی که مورد نیاز فیلمبرداری بود را در اختیار گروه قرار داد، اما عوامل اجرایی فیلم همه ایرانی بودند؛ با این حال تجهیزات سینمایی مانند دوربین، نور و حتی تدارکات از طرف دولت سوریه در اختیار گروه قرار گرفت.

■ پیشنهاد بازی در فیلم «بازمانده» از طرف سیف‌الله داد مطرح شد. من در واقع در زمان خواندن سناریو با سیف‌الله داد درباره شخصیت صفیه صحبت کردم. من این شخصیت را دوست داشتم، اما از نظر سنی از من بزرگ‌تر بود. با این حال داد پذیرفت که من این نقش را بازی کنم، با این شرط که حتی در خارج از فیلم هم من با همان شخصیت صفیه، با او صحبت می‌کردم تا آن قالب شخصیت را در خودم حفظ کنم که این یکی از ویژگی‌های جالب کار کردن با سیف‌الله داد بود.

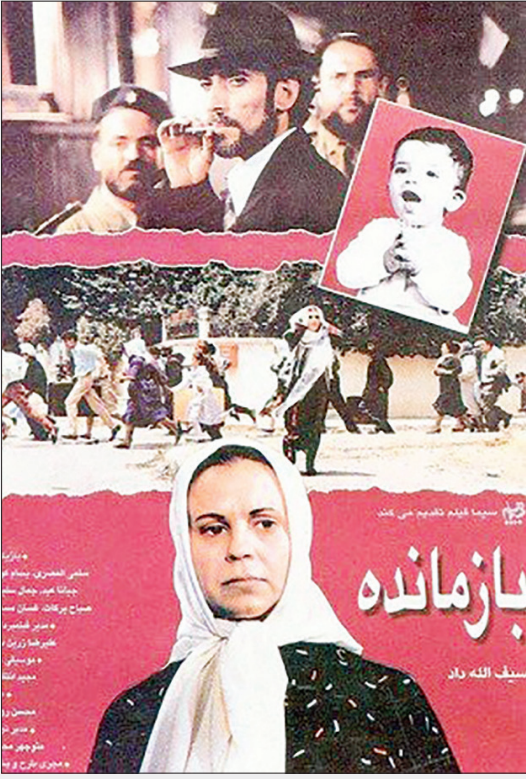
■ ساخت دکور برای فیلمبرداری این اثر را از شب که مردم خواب بودند، شروع می‌کردند تا صبح ادامه داشت. ما برای این فیلم، دکورهایی ساخته بودیم که شبیه سرزمین‌های اشغالی بود و در آن پرچم اسرائیل هم قرار داشت. به‌همین دلیل در روزهای فیلمبرداری چون در مرکز شهر و در دمشق این تصویربرداری‌ها انجام می‌شد، مردم در مواجهه با بازیگرانی که لباس‌های اسرائیلی بر تن و پرچم اسرائیل را به‌همراه خود داشتند، تعجب می‌کردند و گاهی می‌ترسیدند.

برخورد سیف‌الله داد هم خیلی جالب بود و به این واکنش‌های خندید.

■ در همان زمان بازی در فیلم «بازمانده»، هرکسی که من را خارج از فیلم و صحنه می‌دید، باور نمی‌کرد من در آن نقش بازی کردم، زیرا من آن زمان سنم بسیار کمتر از نقشی بود که آن را ایفا کردم. با این حال فیلمی بعدا بازی کردم به‌نام «الهیوت» که شخصیتی مشابه «صفیه» داشت و من نقش «ام فواز» را برعهده داشتم. این نقش تا حدودی شبیه صفیه و بازی در این فیلم برایم یادآور او بود.

■ در زمان اکران، مردم سوریه ارتباط خوبی با این فیلم برقرار کردند و آن را بسیار دوست داشتند و در سالن‌هایی که این فیلم نمایش داده می‌شد حتی روی پله‌های سالن‌ها هم می‌نشستند. این فیلم موفقیت‌هایی هم در جشنواره‌هایی در دمشق، کویت، جشنواره فجر و دیگر کشورهای عربی کسب کرد و در سالن‌های سینمایی کشورهای عربی بارها و بارها به مناسبت‌های مختلف از جمله «یوم الارض» که مصادف است با سوم مارس، هر ساله به‌نمایش درمی‌آید. حدود ۲۲ سال پیش این اثر ساخته شد و وقتی سیف‌الله داد آمدند و سناریو را به من دادند، من نقش صفیه را انتخاب کردم. این کاراکتر از لحاظ سنی از من بزرگ‌تر بود، ولی برای مناسب‌بودن در این نقش، باید از نظر بدنی و چهره بزرگ‌تر نشان می‌دادم، بنابراین او به من گفت باید حتی در خارج از صحنه‌های فیلمبرداری هم آرایش و کرم‌خودم را داشته باشم و به همان شکل رفتار کنم. خوشبختانه وقتی سکانس‌های فیلمبرداری انجام می‌شد به من می‌گفت: «خیلی خوب بود». اما وقتی بیرون از نقش مرا می‌دیدند، باور نمی‌کردند من بازیگر این فیلم بودم زیرا نقشی که بازی کردم از سنم بسیار بزرگ‌تر بود. در این بین من فیلم‌های دیگری هم درباره مقاومت بازی کرده‌ام.

■ ما آیت الکرسی را برای حفظ خودمان و بچه‌های مان می‌خوانیم بنابراین من این پیشنهاد را به سیف‌الله داد دادم و گفتم می‌شود من در این سکانس (پایانی) برای بچه آیت الکرسی بخوانم؟ او هم موافقت کرد و این طور شد که آیت الکرسی را برای بچه خواندم و بعد قطار را منفجر کردم. در این هنگام وقتی صدای بچه شنیده می‌شود، یعنی مقاومت ادامه دارد و پایان نیافته است.



برائت فیلمنامه‌نویس «۱۳ دلیل برای اینکه» از خودکشی نوجوان‌ها



سال گذشته میلادی گزارش‌های متعددی در مورد تاثیر منفی سریال «۱۳ دلیل برای اینکه» که به داستان خودکشی دختری ۱۷ ساله می‌پردازد و با لایق آثار خودکشی در میان نوجوانان منتشر شد. چندی پیش، «ایران یورکی» روانشناس‌نویس سریال به همراه «ریکا هدریک» مشاور و روانشناس این فیلم یادداشتی منتشر کرده‌اند که در آن نه تنها تاثیرات منفی فیلم بر مخاطبان را در کرده بلکه محاسن و تاثیراتی مثبت از آن را برشمرده‌اند. تمرکز اصلی سریال روی فرهنگ موجود در دبیرستان‌های آمریکا و ارتباط نوجوانان با دنیای اطراف‌شان است. اکثر شخصیت‌های سریال، نوجوان‌هایی به حاشیه رانده شده، منزوی و طردشده هستند که در ارتباط برقرار کردن با جامعه بسیار مشکل دارند. فصل دوم سریال اما با واکنش‌های متوسط و غالباً منفی همراه بود و به‌خصوص از نظر خشونت تصویری مورد انتقاد قرار گرفت. سریال با جنجال‌های بسیار زیادی همراه بود. برخی از روانشناسان این سریال را به‌خاطر پرداختن به موضوعاتی همچون خودکشی، افسردگی، تجاوز و همچنین برخی از مسائل جنسی مورد انتقاد قرار دادند و اعلام کردند که سریال ممکن است از نظر روانی، تاثیر بدی روی تماشاگران حساس داشته باشد. تاکنون دو فصل از سریال «۱۳ دلیل برای اینکه» پخش شده و فصل سوم آن شامل ۱۳ قسمت است که امسال از نتفلیکس پخش خواهد شد.

از دفتر امام(ره) بابت ساخت «آیینه» تشویق شدم



غلامحسین لطفی ازجمله بازیگران پیشکسوت تلویزیون در سال‌های اخیر کم‌کار شده است. در سال‌های ۶۴ تا ۶۶ سریال «آیینه» با کارگردانی لطفی از تلویزیون پخش می‌شد که همچنان بخشی از خاطرات دهه ۶۰ تلویزیون را برای خیلی‌ها تداعی می‌کند. در هر قسمت از این مجموعه تلویزیونی، یکی از مسائل اجتماعی - خانوادگی به تصویر کشیده می‌شد. در پایان هر بخش، روش‌های ساده و بهتر زیستن، در سکانسی تحت عنوان «زندگی شیرین می‌شود» ارائه می‌شد. لطفی در گفت‌وگو با «تسنیم» با اشاره به تشویق نامه دفتر امام(ره) بابت ساخت سریال «آیینه»، گفته است: «یادم نمی‌رود با آن دوربین‌های بزرگ و حجیم سریالی ماندگار ساخته شد که هزینه آن دقیقه‌ای ۲۵۰۰ بود. اما امروز دوربین‌های با کیفیتی وجود دارند و ابزارها و تجهیزات در اختیار کارگردانان است که با دقیقه پنج میلیون تومان هم نمی‌توانند سریال «آیینه» را تکرار کنند چون آن پرداخت و نگاه به سوزده‌ها، اصیل بود؛ ما دنبال نشان دادن سبک زندگی ایرانی بودیم. حتی طرح ادامه «آیینه» را حدوداً ۱۵ سال پیش به شبکه سه دادم اما هیچ‌وقت خبری از آن طرح نشد. «آیینه» همیشه برای گوش‌زدارها و مشکلات خانوادگی لازم است؛ به‌خصوص امروز که این روابط تیره و تار شده و نیازمند این مفاهیم درست و حرف‌های جدی درباره خانواده هستیم».